



پرستار جنگ



باید شوهر می کرد. صبح موهایش را می پیچید؛ پیراهن با آستر ژیبون می پوشید؛ قاب گلدوزی‌اش را می گرفت دستش و به رسم انگلیس‌های آداب‌دان برای همپان‌ها در فنجان‌های چینی پایه‌دار جای تلخ سرو می کرد. ولی فلورانس از این خواسته‌های مادرش سر باز زد. از همان بچگی هم با پدرش راحت‌تر کنار می آمد تا مادرش. چون برادری نداشت، تنها مونس پدر بود و زیر دست او بزرگ شد. فلورانس تاریخ، فلسفه، ریاضیات و زبان‌های یونانی، لاتین، فرانسه، آلمانی، ایتالیایی را از پدرش آموخت و با آرامش و ثبات تک‌تک خواستگارهایش را تا سن بیست و پنج سالگی جواب کرد. دیگر وقت آن رسیده بود که برنامه‌اش را برای آینده فاش کند. او می خواست پرستار شود و این با مزاج مادر اشرف‌زاده‌اش منافات داشت. او پرستاری را شغلی مناسب زنان طبقات پایین اجتماع می دانست اما «فلورانس نایتینگل» مثل همیشه توانست نظر مثبت پدرش را به دست بیاورد. سسی و یک ساله بود که راهی آلمان شد تا تحصیلاتش را در مدرسه پرستاری کاپورت تکمیل کند. دو سالی نگذشته بود که در مارس ۱۸۵۳ روسیه به عثمانی حمله کرد. انگلستان و فرانسه که از قدرت گرفتن روسیه ابا داشتند، به کمک عثمانی شتافتند و ماحصل آن «جنگ کریمه» (Crimeon War) بود. جنگی که نه فقط در جبهه و میدان نبرد که با اپیدمی‌های ویرانگر و وبا و مالاریا قربانی می گرفت. حدود هشت هزار سرباز انگلیسی به این دو بیماری مبتلا شدند. درج این اخبار در روزنامه تایمز، دولت را به دست و پا انداخت. فلورانس به اتفاق ۳۸ داوطلب دیگر به عثمانی اعزام شدند. «سربازها در اتاق‌هایی بدون پتو و غذای پاکیزه به سر می‌برند. هنوز هم همان لباس‌های نظامی آلوده را به تن دارند. جراحات جنگی از هر شش نفر، یکی را می‌کشد. تیغوس، وبا و اسهال خونی بیداد می‌کنند». این تابلوی بود که نایتینگل از فضای جبهه اسکوواتی تصویر کرد و لوسی با این ادعاها به یاد قیای پزشکان ارتش برخورد. آنها برداشت‌های نایتینگل را اهانتی به حرفه‌ای بودن خود تلقی کردند. فلورانس که آن زمان ۳۳ ساله بود، اصراری به مجاب کردن آنها نداشت. گزارش خود را برای «جان دلین» - سردبیر تایمز - فرستاد و آنچنان جنجالی به راه انداخت که ارتقای بهداشت جبهه و سازمان‌دهی بیمارستان‌های جنگی را به طور کامل به او واگذار کردند. ورق برگشت و میزان مرگ و میر سربازان به یک بیستم کاهش یافت و ...

وقتی فلورانس در ۱۸۵۶ به وطن بازمی‌گشت، دیگر همه او را می‌شناختند. حتی کودکان دبستانی هم شعری را که «هنری لانگفلو» در مورد او سروده بود، از حفظ بودند: «آه! در آن ساعت شوم / بانویی چراغ به دست می‌بینم / که از آن کورسوی ابهام می‌گذرد / و از اتاقی به اتاقی جریان می‌یابد. نایتینگل خیلی زود فهمید آنچه در مدت جنگ دیده بود، تنها به شرایط جبهه مربوط نبوده و اصول بهداشت و مراقبت‌های بحرانی در خاک وطن هم چندان به سامان نیست و مطرح کردن این موضوع بسا «ملکه ویکتوریا» و «شاهزاده آلبرت» موجب تأسیس «کمیسون بهداشت» در کشورش شد. فلورانس نایتینگل اولین «آموزشکده پرستاری» مدرن را در «بیمارستان سن توماس» تأسیس کرد. او تا سال ۱۸۹۵ یعنی تا سن ۷۵سالگی و قبل از اینکه کور شود، به تربیت پرستاران پرداخت. اکنون سال‌هاست ۱۲ می، روز تولد او، «روز پرستار» نامیده می‌شود. کمتر کسی است که «بانوی چراغ به دست» را نشناسد، اما زیاد نیستند تعداد کسانی که بدانند نایتینگل چه دین بزرگی به گردن آمار و اپیدمیولوژی دارد. بخش قابل توجهی از حقوق بانوان رهین تلاش‌های اوست و دو کتابش در رابطه با بیمارستان و پرستاری هنوز هم تجدید چاپ می‌شود.

مانده اورعی - قرعه‌کشی امسال هم مثل همیشه که در عیدهای مذهبی برگزار می‌شود، در روز عید فطر برگزار شد و به چهارده نفر جوایزی تعلق گرفت. به سه نفر اول کمک هزینه سفر به خانه خدا و به بقیه از لوازم خانگی تا بن کتاب اهدا شد. به نظر می‌رسد هیچ کدام فکر نمی‌کردند یکی از برنده‌ها باشند. بعضی‌ها بیشتر خرید کرده‌اند و شانس بیشتری هم برای برنده شدن دارند. انتشارات تیمورزاده به ازای هر ده هزار تومان خرید، یک برگه شرکت در قرعه‌کشی به مشتریان خود می‌دهد و چهار بار در سال در عیدهای مذهبی قرعه‌کشی می‌کند. یکی از کسانی که قرعه به نامش افتاده خانم «دکتر زهرا سلیمانی» است. او یکی از سه برنده اول است و خیلی خوشحال به نظر می‌رسد. می‌گوید: «اصلاً فکر نمی‌کردم برنده کمک هزینه سفر به خانه خدا من باشم». دو سال است که دوره طرحش تمام شده و برای قبولی در

جناب آقای دکتر تیمورزاده مدیر مسئول محترم نشریه طبیب سلام علیکم

با احترام، پیرو انتشار شماره نیمه اول آبان ماه ۱۳۸۶ آن نشریه محترم، بیان نکاتی چند پیرامون مطالب مندرج در آن ضروری به نظر می‌رسد. ۱- در ابتدا لازم می‌داند که از تلاش و توجه دست‌اندرکاران نشریه «طبیب» در اطلاع‌رسانی به جامعه پزشکی و به ویژه حرکت مثبت این شماره در توجه به موضوع پراهمیت پزشکان عمومی تقدیر کند. ۲- در صفحه ۵ نشریه فوق‌الذکر، در یادداشتی با عنوان «سایه ابلیس بر سر پزشکان»، نویسنده محترم به بیان دیدگاه‌های شخصی و نقدهای خود بر محتوای یکی از سریال‌های تلویزیونی پخش شده در ماه مبارک رمضان پرداخته و ایرادهایی را در این‌باره برشمرده که این نظریات در جایگاه خود برای کارشناسان مربوط محترم و قابل بررسی است، اما در همین مطلب، هم در قسمت مقدمه و هم در بخش پایانی یادداشت، نکاتی درباره عملکرد سازمان نظام پزشکی بیان شده و ادعاهایی درباره این سازمان مطرح شده که جای تأمل دارد. در مقدمه گزارش با اشاره به تغییرات مثبتی که در فیلم‌ها و سریال‌های سیما در زمینه نمایش مسائل پزشکی صورت گرفته، نقش سازمان نظام پزشکی در این رویکرد به کلی انکار شده که نگاهی خلاف واقع و دور از انصاف

است. در این زمینه لازم به ذکر است که سازمان نظام پزشکی برحسب وظیفه ذاتی خود، از سال‌های گذشته توجه خاصی به جایگزینی انعکاس اخبار و موضوعات پزشکی در رسانه‌ها به ویژه رسانه ملی داشته و لزوم دقت در ارائه صحیح این مطالب را در فرصت‌های گوناگون و به روش‌های مختلف به دست‌اندرکاران رسانه ملی یادآور شده است که نمونه آن، نامه مورخ ۱۳۸۰/۹/۲۸ جناب آقای دکتر صدر، به عنوان رئیس هیئت مدیره نظام پزشکی تهران بزرگ، به رئیس وقت سازمان صدا و سیماست که در شماره ۳ و ۴ نشریه جامعه پزشکی مورخ آذر و دی سال ۱۳۸۰ هم منعکس شده است. دعوت از رئیس سازمان صدا و سیما در جلسه شورای عالی نظام پزشکی و تأکید ایشان بر تقویت ارتباط دو سازمان نیز از دیگر نقاط عطف این تعامل بوده است. همچنین ارتباط و تعامل سازنده و رو به گسترش سازمان نظام پزشکی با شورای سیاست‌گذاری سلامت صدا و سیما و به ویژه در یک سال اخیر و جلسات متعددی که بین نمایندگان سازمان نظام پزشکی و آن شورا، در فرصت‌های گوناگون برگزار شده، در همین راستا بوده است که آخرین مورد آن نیز که در اواخر ماه مبارک رمضان در سال جاری برگزار شد، نشست صمیمانه و پرباری بود که در آن پیرامون موضوعات فوق‌الذکر بحث‌های مفیدی صورت گرفت. بنابراین روند مشهود و قابل تحسینی که در دقت و توجه بیشتر به نحوه ارائه موضوعات مرتبط با پزشکی در

جلب رضایت بیمار با طعم اورژانس



کنند، آن رضایت‌نامه اعتباری ندارد و تمام مسئولیت‌ها برعهده پزشک درمانگر است. از سوی دیگر، هر نوع اجبار برای امضا کردن رضایت‌نامه، خود به خود آن را باطل می‌کند. تنها مواردی که از نظر قانون‌گذار استثنا محسوب می‌شوند، زمانی است که بیمار در وضعیت بحرانی باشد. یعنی به تأخیر انداختن درمان به هر نحوی، جان بیمار را به مخاطره بیندازد. در این مورد پزشک برای شروع درمان نیازی به جلب رضایت بیمار و همراهانش ندارد. در کنار این، برای درمان‌هایی مانند دیسترونومی، سقط جنین و... که به نوعی ممکن است بر حقوق ناشی از ازدواج تأثیرگذار باشد، غیر از رضایت خود بیمار، رضایت همسر او نیز برای شروع درمان لازم و ضروری است. به این نکته دقت کنید که موظف هستید مطمئن شوید بیمار از تمام خطرات آگاه شده و متن رضایت‌نامه را درک کرده است. در غیر این صورت حتی با وجود امضای بیمار در برگ رضایت‌نامه، شما مسئول تمام اتفاقاتی احتمالی خواهید بود.

مرتضی جلالی فخر - بی‌شک قبل از شروع هر فرآیند درمانی، از یک سو بیمار باید نسبت به شروع درمان رضایت داشته باشد و از سوی دیگر باید خطری که او را در طول درمان تهدید می‌کند، بداند. در حقیقت، رضایت‌نامه مدرکی است که نشان می‌دهد بیمار از تمام خطراتی راه درمانی انتخابی و دیگر راه‌های جایگزین آگاهی پیدا کرده است. در موارد اورژانس یک پزشک باید تمام این مراحل را طی کند. اگر بیمار هوشیار و بالغ باشد باید خود او برکه رضایت‌نامه را امضا کند. در غیر این صورت از همراهان بیمار برای شروع درمان رضایت گرفته می‌شود. در صورت در دسترس نبودن همراهان، باید صورت جلسه ای تهیه شود و به امضا سه نفر پزشک برسد. در صورتی که سه نفر پزشک در محل حاضر نباشند، سایر کادر پزشکی می‌توانند صورت جلسه را تأیید کنند. متن رضایتی که بیمار امضا می‌کند، باید ساده و برای بیمار قابل درک باشد و اصطلاحات پزشکی نیز نداشته باشد. به این نکته توجه کنید که اگر بیمار بدون درک محتوا، رضایت‌نامه را امضا

منابع دست اول، تخصص انتشارات تیمورزاده

امتحانات رزیدنتی درس می‌خواند. بیشتر کتاب‌هایش را از همین جا تهیه کرده و می‌گوید کتاب‌ها خوب هستند. آقای «دکتر مهران فیض» برنده دیگر کمک هزینه سفر به خانه خداست. او را در حال قدم زدن در کتاب‌فروشی می‌بینم. حدود سی سال دارد و با وسواس خاصی به کتاب‌ها نگاه می‌کند. از او درباره کیفیت کتاب‌ها می‌پرسم. می‌گوید: «برخلاف کتاب‌فروشی‌های دیگر، کتاب‌های اینجا در تمام سطوح خوب است. به خصوص در سطوح تخصصی‌تر مجموعه‌های کامل تری دارد. علاوه بر این، در منابع اصلی رشته پزشکی، انتشارات تیمورزاده حرف اول را می‌زند». بیشتر از کتاب‌های آدامگی برای امتحان رزیدنتی استفاده می‌کند و معتقد است نمونه سؤال‌هایی که در این کتاب‌ها وجود دارد از نظر کیفیت خیلی خوب است و با متد روز دنیا منطبق هستند.

جوابیه سازمان نظام پزشکی به مطلب «سایه ابلیس بر سر پزشکی»

برنامه‌های گوناگون صدا و سیما ایجاد شده، بدون شک تا اندازه زیادی مبدون حساسیت و پیگیری‌های سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران به نمایندگی از جامعه شریف پزشکی بوده است. ۳- بخش تأسف‌بار یادداشت مذکور، ادعاهای واهی و بی‌اساسی است که در قسمت پایانی آن، درباره روابط عمومی سازمان نظام پزشکی مطرح شده و حاکی از بی‌اطلاعی شخص نویسنده و پایین آورنده اعتبار سایر ادعاهای مطرح‌ده در یادداشت است: «این سؤال مطرح می‌شود که چرا سازمان نظام پزشکی، در مقابل این سریال هیچ موضعی نگرفته است. گویا روابط عمومی سازمان نظام پزشکی که در مقابل هر خیر ناخوشایندی درباره این سازمان در روزنامه‌های مختلف، شدید و سریع واکنش نشان می‌دهد، این بار در خواب بوده است. شنیده‌ها از بیانیه‌ای خبر می‌دهد که هنوز منتشر نشده، پس گرفته شده است. اگر چنین چیزی درست باشد، باید پرسید چه معامله‌ای در پشت پرده انجام شده که این اعتراض پس گرفته شده است». در این باره لازم به توضیح است که سازمان نظام پزشکی، همواره در حد بضاعت و مقدرات خود، در تلاش بوده تا از ضایع شدن آگاهانه یا ناآگاهانه حقوق اعضای جامعه شریف پزشکی و تحریف مطالب مرتبط در رسانه‌ها جلوگیری کند و در این زمینه، هیچ‌گاه حاضر به تنزل شأن و جایگاه خود و ورود به حیطه چانه‌زنی و معامله بر سر

دکتر علی ساجدی ، سرپرست اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل

به کسی چیزی نگویید



امیرحسین رحمانی - آقای جک اسمیت در محل کارش دچار ضربه به کمرش شد. پزشک برای او سه هفته فیزیوتراپی تجویز کرد. آقای اسمیت هفته‌ای چهار جلسه فیزیوتراپی داشت و در این مدت در محل کار حاضر نمی‌شد. وقتی سه هفته تمام شد، پزشک فیزیوتراپی را کافی دانست اما وی را در شرایطی نمی‌دید که بتواند سر کار برگردد. آقای اسمیت به تجویز پزشک، فیزیوتراپی را در منزل ادامه داد. یک ماه بعد با مطب پزشک تماس گرفت و گفت حالش بدتر شده است. منشی گفت پزشک سه هفته دیگر فیزیوتراپی تجویز کرده است و او باید این دوره درمانی را بلافاصله شروع کند. در حین فیزیوتراپی، آقای اسمیت به فیزیوتراپ خود گفت چند روز قبل به دلیل تشدید علائم زمین خورده است. فیزیوتراپ از او خواست تا این مسئله را با پزشک در میان بگذارد ولی وی اعتقاد داشت قبل از اینکه زمین بخورد نیز این درد را داشته است. آقای اسمیت

سومین سمینار بین المللی تازه‌های دیابت
سمینار بین المللی پای دیابتی

زمان : ۲۴ لغایت ۲۶ آبان ماه ۱۳۸۶
 ساعت : ۸ لغایت ۱۷
 مکان : بیمارستان امام خمینی (ره) - تالار امام (ره)
 دبیرخانه : بیمارستان دکتر شریعتی - مرکز تحقیقات غدد و متابولیسم طبقه ۵ - مرکز تحقیقات غدد و متابولیسم

زمان : ۲۲ لغایت ۲۳ آبان ماه ۱۳۸۶
 ساعت : ۸ لغایت ۱۷
 مکان : بیمارستان امام خمینی (ره) - تالار امام (ره)
 دبیرخانه : بیمارستان دکتر شریعتی - مرکز تحقیقات غدد و متابولیسم طبقه ۵ - مرکز تحقیقات غدد و متابولیسم

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن های : ۳-۸۸۰۲۶۹۰۲ و ۸۴۹۰۲۷۹۴ تماس حاصل فرمایید.
 فکس : ۰۲۱-۸۸۰۲۶۳۹۹ مرکز تحقیقات غدد و متابولیسم دانشگاه علوم پزشکی تهران
 Website: emrc.tums.ac.ir
 Email: emrc@tums.ac.ir



تقویت اعتماد به نفس در کودکان

آرزوی تمام والدین این است که کودکانشان در اجتماع موفق باشند. «موفقیت» به این معنی است که توانایی‌های فرزند خود را افزایش دهیم تا وی را برای رویارویی با مشکلات پیش‌رو در آینده آماده کنیم. هیچ پدر یا مادری خواهان فرزندی وابسته و ناتوان نیست. کلید اصلی افزایش و یادگیری توانایی‌ها، اعتماد به نفس و پشتکار است و پشتکار به اعتماد به نفس نیاز دارد.

«اعتماد به نفس» به این معنی است که فرزند ما خود را در رویارویی با مشکلات مختلف و تعامل با محیط چگونگی ارزیابی می‌کند. برای تقویت اعتماد به نفس فرزند خود، از همان آغاز کودکی موارد زیر را حتماً رعایت کنید: - عشق و محبتی را که به فرزندتان دارید از صمیم قلب و با کلام و رفتار به او نشان دهید. برخی والدین فکر می‌کنند همین که در دل به فرزندشان علاقه‌مندند و نیازهای مادی او را نظیر خوراک و پوشاک تأمین می‌کنند، کافی است. در صورتی که این به تنهایی برای نشان دادن محبت شما به کودک کافی نیست و او هیچ‌گاه متوجه عشق عمیق و قلبی شما نمی‌شود. اگر کمی رفتارناتر خشک و خشن باشد، کودک با مشاهده رفتار شما در مقایسه با دیگر پدر مادرها، فکر می‌کند که او را اصلاً دوست ندارید. همین فکر به اعتماد به نفس وی ضربه بزرگی خواهد زد.

خیلی از والدین فکر می‌کنند کودکان هنوز به درجه‌ای از عقل و درایت نرسیده‌اند که معنی احترام او درک کنند، ولی به شما اطمینان می‌دهیم که احترام گذاشتن به کودکان تأثیر بسیار زیادی در تقویت اعتماد به نفس آنها دارد.

ضرر یا خطری برایشان ندارد، به تقویت اعتماد به نفس آنها کمک می‌کند. کارهایی مثل جمع‌آوری و دسته‌بندی وسایل شخصی، خرید از مغازه، انتخاب لباس و کفش و ...

کودکان بسیار دوست دارند شما به ماجراها و مطالبی که برایشان تعریف می‌کنند، گوش کنید و به آن توجه نشان دهید. می‌توانید توجه خود را با پرسیدن سؤال‌های مرتبط با هادیت‌کننده صحبت او نشان دهید. وقتی کودک که کیفیت دردش نسبت به گذشته تغییر کرده است، حالش به مرور بدتر می‌شود ولی نمی‌پذیرفت با پزشک صحبت کند. فیزیوتراپ گفت که خودش با پزشک صحبت می‌کند ولی آقای اسمیت با فریاد و پرخاشگری وی را از این کار منع کرد و به فیزیوتراپ گفت این موضوع در حیطه کار شما نیست و نباید دخالت کنید. در مورد این case سؤال‌های زیر مطرح است:

- ۱- فیزیوتراپیست چه کاری باید انجام می‌داد؟ چرا؟
- ۲- در ابتدای ماجرا فیزیوتراپیست چه باید می‌کرد؟
- ۳- شما با این case چطور برخورد می‌کنید؟ چرا؟

گودالی در من در استخوان و ذهن هم در نهان من گودالی در من است لبریز خاک و خاک‌آلوده یک خالی که پر می‌شود گاهی از بوی برنج از سوگواری خرما گاه دریا در ژرفای خسته‌اش فریاد سرداران گاهی مرگ زوزه‌های یوزپلنگان است آه، گودال سیاه من در من از گیسوان آتش‌گرفته می‌آید؟ یا برگ‌سبگ کهنه تقویم؟ ایسن دود؟ که می‌گذرد از دهلیزهای تو. برگرفته از مجموعه «دختران این تابستان» سروده‌ی بیژن تجدی» (متولد ۲۴ آبان ۱۳۲۰ - خاش)



روش‌های سنتی پزشکی روز به روز قوی‌تر می‌شوند. طب سوزنی پایه‌پای علوم دیگر در حال پیشرفت است.